

Comparing the Students with and without Learning Disability in the Problematic Social Situations

Ahmad Behpajoo, Ph.D¹, Abbas Ali Hosseinkhanzaheh, Ph.D², Seyyedeh Zahra Seyyed Noori, M.A³, Aida yahyazadeh, M.A⁴, Roghaie Karimi, M.A⁵

Received: 15.6.15 Revised: 5.1.16 Accepted: 13.4.16

مقایسه دانش‌آموزان دارای و بدون ناتوانی یادگیری در موقعیت‌های اجتماعی دشوار

دکتر احمد به پژوه¹، دکتر عباسعلی حسین خانزاده²، سیده زهرا سیدنوری³، آیدا یحیی‌زاده⁴، رقیه کریمی⁵

تاریخ دریافت: 94/3/25 تجدیدنظر: 94/10/15 پذیرش

نهایی: 95/1/25

Abstract

Objective: Social behaviors impact on over all aspects of life of children and affect their social adjustment and happiness. Therefore, the purpose of the study was to compare the students with learning disability and normal students in different problematic social situations. **Method:** This research was an Ex Post Facto design. The statistical population includes all elementary students with learning disability and normal students in 2013-2014 academic years. The sample of study consists of 99 students with learning disability that were selected by random cluster sampling method. Also, 112 normal students matched in terms of their age and intelligence was selected. Taxonomy of Problematic Social Situations for Children was used for collecting data (Dodge, et al, 1985). **Results:** The results of multivariate analysis of variance showed that children with learning disabilities in compare with normal children had lower performance in problematic social situations. The results of univariate analysis of variance also revealed that score of children with learning disability is significantly higher than normal children in components such as peer group entry, response to provocation, response to failure, response to success, social expectations, and teacher expectations. **Conclusion:** The results of this study show that students with learning disabilities should receive more training in social skills such as partnership and cooperation, finding friend, relationships with adults and peers stimulation.

Keywords: Problematic social situations, Students with learning disability

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در موقعیت‌های اجتماعی دشوار و مشکل‌ساز انجام شد. **روش:** طرح پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان ابتدایی دارای ناتوانی یادگیری و عادی شهر رشت در سال تحصیلی 93-1392 بود. نمونه پژوهش شامل 99 دانش‌آموز دارای ناتوانی یادگیری بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. همچنین 112 نفر دانش‌آموز عادی به شیوه هم‌تاسازی (بر اساس سن و هوش) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس طبقه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی مشکل‌ساز (داج و همکاران، 1985) استفاده شد. **نتایج:** یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که کودکان دارای ناتوانی یادگیری در مقایسه با کودکان عادی، در موقعیت‌های اجتماعی دشوار عملکرد پایین‌تری داشتند. همچنین نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری نشان داد که میانگین دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری در مؤلفه‌های ورود به گروه همسالان، پاسخ به تحریک شدن، پاسخ به شکست، پاسخ به موفقیت، انتظارهای اجتماعی، و همچنین انتظارهای معلم به طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. **نتیجه‌گیری:** دانش‌آموزان دارای ناتوانی باید یادگیری در مهارت‌های اجتماعی، مانند مشارکت و همکاری، دوست‌یابی، روابط با بزرگترها و تحریک‌های همسالان، آموزش بیشتری ببینند.

واژه‌های کلیدی: موقعیت‌های اجتماعی دشوار، دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری

1. **Corresponding Author:** Professor of Psychology, University of Tehran (behpajoo@ut.ac.ir)
2. Associate Professor of Psychology, University of Guilan
3. MA in Psychology, University of Guilan
4. MA in Psychology, University of Islamic Azad of Rasht
5. MA in Psychology, University of Shahid Rajaei Teacher Training

1 نویسنده مسئول: استاد روان‌شناسی، دانشگاه تهران
2. دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه گیلان
3. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه گیلان
4. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
5. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مقدمه

ناتوانی‌های یادگیری با شیوع 5 تا 15 درصد، مهم‌ترین علت عملکرد ضعیف تحصیلی به شمار می‌رود (مورتیمور و کروتیز، 2006؛ انجمن روان‌پزشکی آمریکا، 2013). طبق راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ویراست پنجم، ناتوانی‌های یادگیری در طبقه اختلال‌های عصبی - تحولی قرار دارد که به صورت مشکلات یادگیری و نارسایی در اکتساب مهارت‌های تحصیلی متناسب با سطح سنی در سال‌های اولیه تحصیلی آشکار می‌شود. این مشکلات حداقل شش ماه دوام یافته و ارتباطی با ناتوانی‌های ذهنی، اختلال‌های تحولی و یا عصبی - حرکتی ندارد و شامل اختلال در خواندن، بیان نوشتاری و محاسبات ریاضی می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، 2013).

دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری، ظرفیت توجه پایینی دارند، مشکلاتی در جهت‌یابی، سازماندهی، تمایز حروف، اعداد و صداها دارند. این گروه از دانش‌آموزان در خواندن یا نوشتن ضعف دارند، در هماهنگی چشم و دست مشکل دارند و از حافظه ضعیفی برخوردارند. آنها همچنین ممکن است مشکلاتی در استفاده از مهارت‌های اجتماعی مناسب داشته باشند (وودی، 2007). مشکلات مهارت‌های اجتماعی این دانش‌آموزان به قدری جدی است که برخی در کمیته ملی مشترک ناتوانی‌های یادگیری، بحث لحاظ کردن نارسایی در مهارت‌های اجتماعی را در تعریف ناتوانی‌های یادگیری مطرح کرده‌اند (تورو، ویسبرگ، گوار و لاینشتین، 1990).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری در مقایسه با همسالان عادی خود از محبوبیت کمتری برخوردار هستند. بیشتر طرد می‌شوند و روابط دوستی کمتری دارند (بریان، 1976؛ کیسنر و گاتلین، 1989؛ استیل و همکاران، 2008). این گونه دانش‌آموزان کمتر برای بازی انتخاب می‌شوند، که تصور می‌شود به علت موقعیت اجتماعی پایین آنان باشد (هوتون و پولی، 1976؛ بریان،

1976؛ ابوالقاسمی، رضایی جمالویی، نریمانی و زاهد بلال، 1390). در این ارتباط، میشا (2003) گزارش کرده است که این کودکان بیشتر در معرض خطر آزار و اذیت و رفتارهای قلدرمآبانه همسالان خود هستند. افزون بر این، کمبود مهارت‌های اجتماعی در این کودکان بر عملکرد تحصیلی آنها تأثیر منفی می‌گذارد، مشکلات یادگیری را تشدید می‌کند و مانع پیشرفت کودک می‌شود (پارکر و آشر، 1987؛ لاگرسا و استون، 1990). مشکلات اجتماعی این دانش‌آموزان ممکن است به نوبه خود بر دیدگاه‌شان درباره مدرسه تأثیر بگذارد. دجر (1998) در تحقیقات خود نشان داده است که دانش‌آموزان بدون تعامل با همسالان، به احتمال بیشتری دارای مشکلات رفتاری هستند که در نتیجه می‌تواند منجر به شکست تحصیلی و حتی ترک تحصیل آنان شود.

برخی از پژوهش‌ها به بررسی موقعیت‌های اجتماعی دشوار در کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها به دنبال کشف این موضوع هستند که دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری چگونه رفتار می‌کنند که باعث طرد شدن از سوی همسالان و معلمانشان می‌شوند. بررسی شواهد پژوهشی (وینر، 2004؛ استل و همکاران، 2008؛ آل-یاگن و میک یولینسر، 2004؛ گالوی و متسالا، 2011؛ آیرباچ، گروس-تسور، مانتور و شالو، 2008؛ لاد و تراپ گوردون، 2003؛ آگولیسست و کالوا، 2008؛ شهیم، 1382) نشان می‌دهد که رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری با همسالان عادی، متفاوت است.

تورگسن (1982) دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری را به عنوان افراد غیرفعال در مهارت‌های اجتماعی و فرایند ارتباطی توصیف کرده است. نتایج حاصل از تحلیل ارتباطات کلامی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری در شرایط اجتماعی نشان می‌دهد که آنها در موقعیت‌های اجتماعی از اظهارات رقابتی، تند و زننده و کمتر تخیلی استفاده می‌کنند و اظهاراتشان

تمایل کمی به شناختن و در نظر گرفتن موقعیت افراد دیگر دارند، توصیف شوند (کراوتز، فاوست و شالهاو، 1999).

شواهد نشان می‌دهد که دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری، مشکلاتی در درک روش‌های گفتگو و توجه به دیگران دارند. آنها همچنین ممکن است در تشخیص معنای رفتار دیگران دچار مشکل باشند. این مشکلات ممکن است بر تمام تعاملات آنها تأثیر بگذارد. تصور می‌شود این مشکلات که با شایستگی اجتماعی و داشتن انگیزه و خویشتن‌داری¹ آنها برای عملکرد مناسب ارتباط داشته باشند (مک لین، 1989).

اهمیت آراستگی ظاهری به عنوان یک شاخص مهم محبوبیت همسالان در پژوهش اسچومیکر، ویلدگن و شرمن (1982) مورد تأکید قرار گرفته است. این محققان دریافتند که 35 درصد از دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری از نظر رعایت نظافت، پاکیزگی لباس، ژست و جذابیت عمومی دچار مشکل هستند. بدیهی است که این مسئله نیز می‌تواند زمینه‌ساز کناره‌گیری و در نهایت طرد آنها از سوی همسالان شود. الیوا و لاگریکا (1988) مشکلات بین فردی و اجتماعی افراد دارای ناتوانی یادگیری را پیامد ناتوانی آنها در اکتساب و کاربرد قوانین و راهبردهای فراشناختی دانسته‌اند و معتقدند که این قبیل نقایص می‌تواند علت برخی از مشکلات این افراد در زمان مواجهه با تکالیف یادگیری باشد.

علاوه بر این، برخی محققان مانند هارمن جنز، بارات و وگیت (1996) و دنفرانسو، موگنانی، دل اومو (2005)؛ بماد (2009) گزارش کردند که کودکان دارای ناتوانی یادگیری، تکانشگری، پرخاشگری و مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به دانش آموزان عادی از خود نشان می‌دهند. گرشام و الیوت (1999) مشکلات رفتاری افراد دارای ناتوان یادگیری را به ضعف شناخت اجتماعی آنها مرتبط می‌دانند و معتقدند که این قبیل نقایص به دلیل

بیشتر در پیرامون خودشان می‌گذرد (بریان و بریان، 1978؛ سونکسون، فلاگ و اسچمیتز، 1981). همچنین گزارش شده که این دانش آموزان در گفتگوهایشان از سبک‌های ارتباطی ناکارآمد و شیوه‌های حل مسئله نامؤثر استفاده می‌کنند (گالوی و متسالا، 2011). به نظر می‌رسد این دانش آموزان در مقایسه با همسالان عادی، سبک‌های ارتباطی خود را کمتر با نیازهای شنونده هماهنگ می‌کنند (سونکسون، فلاگ و اسچمیتز، 1981).

بوتس و همکاران (2006)؛ بائومینگر و کیمهی-کایند (2008) نارسایی در پردازش اطلاعات اجتماعی و مشکلات ادراکی (دیدن و شنیدن) در دریافت و سازماندهی اطلاعات را عامل اصلی نارسایی مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری معرفی کرده‌اند. در واقع متخصصان معتقدند، همان‌گونه که این کودکان ممکن است در تشخیص تفاوت حروف مشابه (چه از لحاظ دیداری و چه از لحاظ شنیداری) دچار مشکل شوند، می‌توان انتظار داشت که آنها در تشخیص و تمایز بین لبخند دوستانه و اجباری یا صدای آزاردهنده، جدی یا طعنه‌آمیز نیز دچار مشکل باشند (پریسیلا، 2011). علاوه بر مشکلات اجتماعی کلامی، ادراک غیرکلامی این کودکان نیز دارای نارسایی است. برای مثال، این کودکان توانایی کمی در فهم جنبه‌های غیرکلامی و در زمینه کارکردهای شناختی-اجتماعی مشکل دارند، از این‌رو نیازمند نشانه‌های موقعیتی، فهم هدف‌ها و درگیر شدن در تعاملات اجتماعی است (واقن، البام و بوردمن، 2001). بریان و پرلموتر (1979) بر این باورند که رفتار غیرکلامی این دانش آموزان باعث تأثیر منفی بر مخاطب و در نتیجه عدم علاقه دیگران به ارتباط با آنها می‌شود. نتایج پژوهش‌های پتی و همکاران (2003) نشان داد که دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری در درک سرنخ‌ها و یا تغییر احساسات بر پایه این سرنخ‌ها دچار مشکل هستند. این امر ممکن است سبب شود که آنها به عنوان خودخواه و افرادی که

بودند، تشکیل می‌داد. نمونه مورد نظر در این پژوهش، 211 نفر بودند که 112 نفر از آن‌ها، دانش‌آموزان عادی و 99 نفر دارای اختلال یادگیری بودند. برای انتخاب افراد مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری خوشه-ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین ترتیب که ابتدا از دو ناحیه آموزشی شهر رشت، ناحیه 2 رشت انتخاب گردید و سپس از میان 126 مدرسه ابتدایی این ناحیه، 10 مدرسه (5 مدرسه دخترانه و 5 مدرسه پسرانه) انتخاب شد. سپس از میان این مدارس، 15 کلاس انتخاب شد. این کلاس‌ها شامل 3 کلاس پایه اول، 6 کلاس پایه دوم، 2 کلاس پایه سوم، 4 کلاس پایه چهارم بودند. سپس از میان دانش‌آموزان این کلاس‌ها، 99 دانش‌آموز دارای ناتوانی یادگیری خاص به شیوه تصادفی انتخاب شدند. از میان این دانش‌آموزان، 35 نفر دارای اختلال خواندن، 2 نفر داری اختلال نوشتن، 11 نفر دارای اختلال ریاضی، 33 نفر دارای اختلال خواندن و نوشتن، 17 نفر دارای اختلال‌های خواندن، نوشتن و ریاضی و 1 نفر دارای اختلال‌های ریاضی و نوشتن داشتند و 112 دانش‌آموز عادی هم از میان این کلاس‌ها انتخاب شدند. سپس به هم‌تاسازی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی از نظر سن (8-11) و داشتن هوشبهر عادی (90-115)، از طریق بررسی پرونده‌شناسنامه سلامت کودکان پرداخته شد. پس از هم‌تاسازی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و عادی، پرسشنامه موقعیت مشکل‌ساز با جلب رضایت معلمان در اختیارشان قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: (1) داشتن هوشبهر عادی (2) نداشتن اختلالات عاطفی و روانی (3) نداشتن بیماری جسمی خاص.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های لازم در این تحقیق از مقیاس طبقه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی دشوار² (داج و مک کلسکی و فلدمن، 1985) استفاده شد. مقیاس طبقه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی دشوار کودکان تلاش

فقدان تجربه‌های اجتماعی مناسب و کافی بوده و علت عصب‌شناختی ندارد. در این رابطه، نتایج پژوهش سلیمانی، زاهد بابلان، فرزانه و ستوده (1390) نیز نشان داد که دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری در روابط اجتماعی ضعیف بوده و رفتارهایی مانند جسارت نابجا، عمل تکانشی، پرخاشگری، اعتماد به خود بیش از حد و حسادت و گوشه‌گیری از خود نشان می‌دهند. نتایج برخی از پژوهش‌ها (هوقز و داوسن، 1995؛ کیسنر و گاتلین، 1989) نشان داد که افراد دارای ناتوانی یادگیری، تجربه مدرسه خود را هولناک گزارش کرده‌اند. آنها گزارش کردند که هیچ کمکی برای مشکلات تحصیلی خود دریافت نمی‌کردند و مورد طرد و تمسخر همسالان و معلمان خود قرار می‌گرفتند (لری، اسپروندر فر و هاپت، 1995).

اهمیت تعاملات اجتماعی در جامعه‌پذیری و کمک به شکل‌گیری هویتی سالم در کودکان انکارناپذیر است. بنابراین با توجه به این که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور، مسئله نارسایی در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری را مورد توجه قرار داده‌اند، و به خصوص در ایران به بحث شناسایی موقعیت‌ها و بافت‌هایی که این دانش‌آموزان در آن دارای مشکلات عمده‌ای هستند پرداخته نشده است، بنابراین تهیه و تنظیم یک برنامه آموزش جامع و کاربردی برای این دانش‌آموزان نیازمند بررسی و ارزشیابی وضعیت تعاملات اجتماعی در موقعیت‌های مختلف این کودکان است و پژوهش حاضر با هدف مقایسه دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در موقعیت‌های اجتماعی دشوار انجام شد.

روش

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و نمونه مورد مطالعه طرح پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای و جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی دارای ناتوانی یادگیری و عادی شهر رشت که در سال تحصیلی 93-1392 مشغول به تحصیل

پور(1394)، حسین خانزاده، سیدنوری، کریمی و طاهر (1394)، حسین خانزاده، یحیی زاده و سیدنوری (در دست چاپ)، مورد تأیید و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

تعداد دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری 99 نفر (47 نفر دختر و 52 نفر پسر) و تعداد دانش آموزان عادی 112 نفر (56 نفر دختر و 56 نفر پسر) بود. میانگین سنی دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری (8/50 سال) و انحراف معیار آن (1/12) بود. میانگین سنی دانش آموزان عادی نیز (8/34 سال) و انحراف معیار آن (1/27) بود. 14 نفر از دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری در کلاس اول، 38 نفر در کلاس دوم، 18 نفر کلاس سوم و 29 نفر کلاس چهارم بودند. از بین دانش آموزان عادی نیز 28 نفر کلاس اول، 33 نفر کلاس دوم، 28 نفر کلاس سوم و 23 نفر کلاس چهارم بودند. هیچ یک از این دانش آموزان ناتوان در یادگیری و عادی دارای معلولیت جسمی نبودند.

برای بررسی تفاوت دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در مولفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار، از آزمون t دو نمونه مستقل استفاده شد. در جدول 1، نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس‌های مولفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار در دو گروه ارائه شده‌اند.

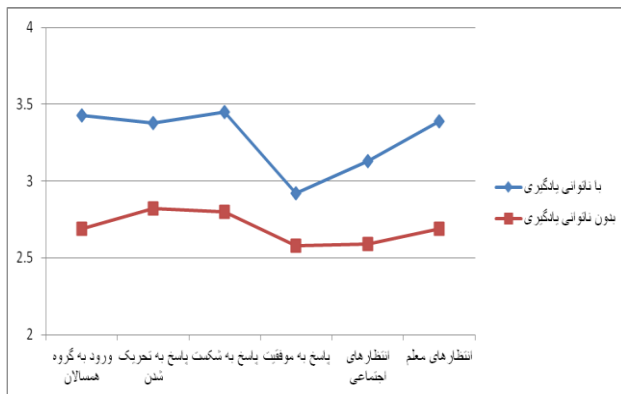
در جدول 1، نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها و آزمون در t دو نمونه مستقل برای بررسی تفاوت دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در مولفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار گزارش شده‌اند.

می‌کند تا موقعیت‌هایی را که کودک دارای بیشترین مشکل هستند، شناسایی کند. برای هر موقعیت، شیوه رفتار کودک بر روی یک مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای 1(هرگز)، 2 (به ندرت)، 3 (برخی اوقات)، 4 (معمولاً)، و 5 (تقریباً همیشه) مشخص می‌گردد. این مقیاس که توسط معلم پر می‌شود، دارای 44 گویه است که شش بعد ورود به گروه همسالان (گویه‌های 9، 17، 21، 22، 23)، پاسخ به تحریک شدن (گویه‌های 4، 6، 16، 18، 19، 20، 24، 34، 40، 36)، پاسخ به شکست (گویه‌های 2، 5، 7، 8، 10، 11، 13، 15، 44)، پاسخ به موفقیت (گویه‌های 3، 12، 14)، انتظارات اجتماعی (گویه‌های 1، 25، 32، 33، 35، 37، 38، 39، 41، 42، 43)، و انتظارات معلم (گویه‌های 26، 27، 28، 29، 30، 31) را می‌سنجد (حسین خانزاده، 1392). کمترین نمره‌ای که آزمودنی در این مقیاس می‌تواند به دست بیاورد 44 و بیشترین نمره 220 می‌باشد. نتایج تحقیقات ریچاردسون و فستر (1994)؛ نانگل، الیس و هانسن (1994) با استفاده از این مقیاس نشان داده است که این ابزار از اعتبار و روایی بسیار بالایی برخوردار است. داج، مک کلتی و فلدمن (1985) آلفای کرونباخ 6 عامل را در محدوده 0/97 تا 0/89 و آلفای کرونباخ نمره کل 44 سوال را 0/98 گزارش کردند که حاکی از انسجام درونی بالای این پرسشنامه است. در تحقیق حاضر نیز روایی پرسشنامه با نظرخواهی از متخصصان مختلف کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاس‌های این تست از 0/78 تا 0/86 به دست آمد که رضایت‌بخش است. همچنین روایی این آزمون در پژوهش‌های قبلی مانند حسین خانزاده، سیدنوری، یحیی زاده و عیسی -

جدول 1- نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها و آزمون t در دو نمونه مستقل

مولفه	آماره f لوین	p	گروه	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	آماره t	p
ورود به گروه همسالان	3/83	0/06	دارای ناتوانی یادگیری عادی	3/43 2/69	0/65 0/77	0/73	0/09	7/43	0/001
پاسخ به تحریک شدن	0/06	0/80	دارای ناتوانی یادگیری عادی	3/38 2/82	0/57 0/59	0/56	0/08	6/93	0/001

0/001	7/57	0/08	0/64	0/54	3/45	دارای ناتوانی یادگیری عادی	0/07	3/27	پاسخ به شکست
				0/67	2/80				
0/002	3/20	0/10	0/34	0/78	2/92	دارای ناتوانی یادگیری عادی	0/91	0/01	پاسخ به موفقیت
				0/76	2/58				
0/001	6/53	0/08	0/54	0/64	3/13	دارای ناتوانی یادگیری عادی	0/79	0/07	انتظارهای اجتماعی
				0/72	2/59				
0/001	6/70	0/10	0/70	0/75	3/39	دارای ناتوانی یادگیری عادی	0/06	3/63	انتظارهای معلم
				0/83	2/69				



نمودار 1- میانگین‌های دانش‌آموزان دو گروه در هر یک از مولفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف مقایسه دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در موقعیت‌های اجتماعی دشوار انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که این دو گروه، از نظر موقعیت‌های اجتماعی دشوار، تفاوت معناداری دارند. در واقع کودکان دارای ناتوانی یادگیری نسبت به کودکان عادی، در تمامی موقعیت‌ها مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های وینر (2004)، استیل و همکاران (2008)، آل-یاگن و میک یولینسر (2004)، گالوی و متسالا (2011)، آیرباچ، گروس-تسور، مانور و شالو (2008)، لاد و تراپ گوردون (2003)، شهیم (1382) همسو است. بر اساس این پژوهش‌ها کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری در مقایسه با سایر همسالان، مهارت‌های اجتماعی کمتری دارند، کمتر محبوب هستند، پذیرش اجتماعی کمتری

با توجه به جدول 1، آماره f آزمون لوین برای مؤلفه‌های ورود به گروه همسالان (3/83)، پاسخ به تحریک شدن (0/06)، پاسخ به شکست (3/27)، پاسخ به موفقیت (0/01)، انتظارهای اجتماعی (0/07) و انتظارهای معلم (3/63) معنی‌دار نمی‌باشد ($p > 0.05$). بنابراین واریانس مؤلفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار در دو گروه برابر می‌باشد.

با توجه به جدول 1، آماره t تفاوت گروه‌ها دارای ناتوانی یادگیری و عادی در مولفه‌های ورود به گروه همسالان (7/43)، پاسخ به تحریک شدن (6/93)، پاسخ به شکست (7/53)، پاسخ به موفقیت (3/20)، انتظارهای اجتماعی (6/53) و انتظارهای معلم (6/70) معنی‌دار می‌باشد ($p < 0.05$). بنابراین می‌توان گفت بین دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری، در این مولفه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج بررسی میانگین‌ها در این جدول نشان می‌دهد که میانگین دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری در مولفه‌های ورود به گروه همسالان (3/43)، پاسخ به تحریک شدن (3/38)، پاسخ به شکست (3/45)، پاسخ به موفقیت (2/92)، انتظارهای اجتماعی (3/13) و انتظارهای معلم (3/39) به صورت معنی‌داری بیشتر از میانگین دانش‌آموزان عادی به ترتیب با میانگین‌های (2/69)، (2/82)، (2/80)، (2/58)، (2/59) و (2/69) می‌باشد. در نمودار 1، نمودار میانگین‌های دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در هر یک از مولفه‌های موقعیت‌های اجتماعی دشوار نمایش داده شده است.

اضطراب، افسردگی، احساس حقارت، خودپنداشت و حرمت‌خود پایین) و واکنش‌های بیرونی (مانند پرخاشگری و بدرفتاری با دیگران شود).

به‌کارگیری الگوی پرخاشگرانه و الگوی کناره‌گیری و پذیرش دیدگاه طرف مقابل نیز می‌تواند زمینه‌ساز طرد و انزوای این دانش‌آموزان را فراهم کند. دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری با نارسایی اجتماعی، دنیا را از زاویه دید خود می‌نگرند و قادر به درک دیدگاه دیگری نیستند، این مسئله می‌تواند سبب کناره‌گیری دیگران از آن‌ها شود. از آنجایی که این کودکان از تأثیر رفتار خود بر دیگران آگاه نیستند ممکن است این مسئله را به کفایت اجتماعی پایین خود نسبت داده و دچار انزوا یا تفکر منفی درباره افراد پیرامون خود شوند و سرانجام به واکنش‌های نامطلوب روی آورند.

کودکان دارای ناتوانی یادگیری به دلیل مشکلات پردازش اطلاعات، از نظر سازگاری با شرایط موقعیت و واکنش مناسب به چالش‌های اجتماعی مشکل دارند. مشکلات خویش‌داری و استفاده از سبک‌های مقابله هیجانی و ناکارآمد نیز خود به شدت مشکلات آنها می‌افزاید. مشکلات عصب‌شناختی این کودکان که مشکلات تحصیلی آنها را رقم می‌زند، عدم آگاهی معلم، والدین و دوستان از مشکلات این کودکان می‌تواند سبب انزوای این کودکان و محروم شدن آنها از فرصت تعامل مطلوب اجتماعی و بهره‌برداری از ثمرات مثبت این تعاملات گردد.

این پژوهش درصدد بررسی تفاوت دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در موقعیت‌های مشکل‌ساز با هدف ارائه اطلاعات مناسب جهت شناسایی، پیشگیری از پیامدهای نامطلوب رفتارهای اجتماعی ناپسند بود. با توجه به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در تعامل و جامعه‌پذیری و کمک به ایجاد هویت سالم در این کودکان، نتایج پژوهش حاضر لزوم توجه به آموزش مهارت‌های اجتماعی از دوران کودکی را برجسته می‌کند. با توجه به نتایج این پژوهش مبنی

دارند، مورد بی‌مهری، طرد، آزار و رفتارهای قلدرانه قرار می‌گیرند.

همسو با این نتایج، پژوهش هواگر، واتسون و ویل (1995) نشان داد که کودکان دارای ناتوان یادگیری از کفایت اجتماعی کمتری نسبت به همسالان عادی برخوردارند. همچنین نتایج پژوهش بریان (1976) مبنی بر اینکه کودکان دارای ناتوان یادگیری از رتبه‌های جامعه‌سنجی کمتری برخوردارند، همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان یکی از دلایل بروز رفتارهای اجتماعی ناکارآمد این دانش‌آموزان را به شایستگی اجتماعی پایین آنها نسبت داد. این دانش‌آموزان با مشکلاتی در تشخیص معنی، نشانه‌های موقعیتی و رمزگشایی سرنخ‌ها مواجه می‌شوند (وودی، 2007). آنها مشکلاتی در تعبیر ارتباطات کلامی و غیرکلامی به ویژه در خواندن حالات چهره دارند (آگولیس و کالوا، 2008). تا آنجا که در پاسخ به شروع یک ارتباط ممکن است تلاش‌های اولیه همسالان و پاسخ‌دهی به آن‌ها را به اشتباه خصومت تعبیر کنند (وودی، 2007). به علاوه این دانش‌آموزان، درک درستی از هیجان‌های خود و دیگران ندارند، در نتیجه عدم ارزیابی دقیق از موقعیت و شرایط اجتماعی سبب می‌شود که آنها نتوانند ژست‌ها و حالت‌های هیجانی و غیرکلامی خود را با نیازهای مخاطب هماهنگ کنند. همچنین نارسایی در پردازش هیجانی ممکن است به مشکلات این کودکان در تعبیر هیجان‌هایی مانند نفرت، شادی، خشم و ... بیفزاید و سبب شود که از نظر دیگران به عنوان افرادی که همدلی پایینی دارند به نظر برسند.

علاوه بر این مسئله، مهارت‌های اجتماعی پایین این کودکان نیز می‌تواند برقراری روابط اجتماعی را از این کودکان سلب کند. مشکلات در شروع و تداوم گفتگو، نوبت‌گیری و ارائه پاسخ مطلوب به دیگری ممکن است سبب استهزاء و واکنش‌های منفی نسبت به این افراد شده و موجب واکنش‌های درونی (مانند

حسین خانزاده، عباسعلی (1392). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان. تهران: رشد فرهنگ.

حسین خانزاده، عباسعلی؛ سیدنوری، سیده زهرا؛ کریمی، رقیه؛ و طاهر، محبوبه (1394). مطالعه موقعیت‌های اجتماعی مشکل‌ساز برای دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی. (1394). دومین کنگره بین‌المللی تحقیقات آموزش و پرورش، تهران.

حسین خانزاده، عباسعلی؛ سیدنوری، سیده زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا؛ و عیسی‌پور، مهدی (1394). شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی مشکل‌ساز دانش‌آموزان نابینا، ناشنوا و عادی جهت طراحی برنامه‌های مداخله‌ای. طرح پژوهشی مصوب، دانشگاه گیلان.

حسین خانزاده، عباسعلی؛ یحیی‌زاده، آیدا؛ و سیدنوری، سیده زهرا. (در دست چاپ). مطالعه موقعیت‌های اجتماعی مشکل‌ساز در کودکان با آسیب بینایی، و شنوایی و مقایسه آن با کودکان عادی. مجله مطالعات ناتوانی.

سلیمانی، اسماعیل؛ زاهد بالان، عادل؛ فرزانه، جبرائیل؛ و ستوده، محمد باقر (1390). مقایسه نارسایی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و بهنجار. مجله ناتوانی‌های یادگیری، 1، 78-93.

شهیم، سیما (1382). مقایسه مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری در دو گروه از کودکان عادی و مبتلا به اختلالات یادگیری در خانه و مدرسه. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، 33، 138-121.

متسون، جانی و اولندیک، توماس (1988). بهبودبخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش. ترجمه احمد به‌پژوه (1384). تهران: انتشارات اطلاعات.

Agaliotis, J. & Kalyva, E. (2008). Nonverbal social interaction skills of children with learning disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 29, 1 – 10.

Al-Yagon, M. & Mikulincer, M. (2004). Patterns of close relationships and socioemotional and academic adjustment among school-age children with learning disability. *Learning Disabilities Research & Practice*, 19, 12-19.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Publishing.

Auerbach, J.G., Gross-Tsur, V., Mantor, O., & Shalev, R.S. (2008). Emotional and behavioral characteristics over a six year period in youths with persistent and non-persistent dyscalculia. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 263-273.

Bauminger, N., & Kimhi-Kind, I. (2008). Social information processing, security of attachment, and emotion regulation in children with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 315-332.

بر پیامدهای منفی و اثرات نامطلوب این پیامدها بر زندگی فردی، اجتماعی و روان‌شناختی این دانش‌آموزان، اهمیت تدوین برنامه‌های جامع و مدون جهت ارائه آموزش‌های مناسب و برنامه‌های پیشگیرانه جهت جلوگیری از پیامدهای نامطلوب برجسته‌تر می‌شود.

از آنجا که در این پژوهش، به دلیل مشکلات نمونه‌گیری، محدوده سنی گسترده‌ای انتخاب شده است، بنابراین ضروری است در تحقیقات بعدی، گروه سنی محدود شود یا اینکه دانش‌آموزان دارای ناتوان یادگیری مربوط به گروه‌های سنی مختلف از لحاظ رشدی با هم مقایسه شوند.

در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود که آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری براساس مشکلات شناسایی شده آنها در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون صورت گیرد. بنابراین، توصیه می‌شود از نتایج پژوهش حاضر به طور منظم و ساختارمند در برنامه‌های آموزش خانواده و دانش‌افزایی مادران و پدران و در مراکز آموزشی و توانبخشی این گونه کودکان و دانش‌آموزان استفاده شود (به‌پژوه، 1394؛ متسون و اولندیک، 1988، ترجمه به‌پژوه، 1384).

قدردانی و تشکر

از تمامی دانش‌آموزان و مربیانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

یادداشت‌ها

- 1) Self-control
- 2) Taxonomy of Problematic Social Situations for Children (TOPS)

منابع

ابوالقاسمی، عباس؛ رضایی جمالویی، حسن؛ نریمانی، محمد؛ و زاهد بالان، عادل (1390). مقایسه شایستگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا. مجله ناتوانی‌های یادگیری، 1، 6-23.

به‌پژوه، احمد (1394). خانواده و کودکان با ناتوانی یادگیری در خانواده و کودکان با نیازهای ویژه (چاپ دوم). تهران: انتشارات آوای نور.

- Bernard, S.H. (2009). Mental health and behavioral problems in children and adolescents with learning disabilities. *Psychiatry*, 8, 387-390.
- Boets, P.B., Wouters, J., Wieringen, A & Ghesquere, P. (2006). Auditory temporal information processing in preschool children at family risk for dyslexia: Relations with phonological abilities and developing literary skills. *Brain and Language*, 97, 64-79.
- Bryan, J.H. (1976). Peer popularity of learning disabled children. *Journal of Learning Disability*, 9, 307-311.
- Bryan, J.H., & Perlmutter, B. (1979). Immediate impressions of LD children by female adults. *Learning Disability Quarterly*, 2, 80-88.
- Bryan, T.H., & Bryan, J.H. (1978). Social interactions of learning disabled children. *Learning Disability Quarterly*, 1, 33-38.
- DeGeorge, K.L. (1998). Friendship and stories: Using children's literature to teach friendship skills to children with learning disabilities. *Intervention in School and Clinic*, 33, 157-162.
- Dodge, K.A., Mcclaskey, C.L., & Feldman, E. (1985). Situational approach to the assessment of social competence in children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53, 344-353.
- Donfranceso, R., Mugnaini, D., & Dell Uomo, A. (2005). Cognitive impulsivity in specific learning disabilities. *European Journal of Children & Adolescents Psychiatry*, 14, 270-275.
- Estell, D.B., Jones, M.H., Pearl, R.A., Van Acker, R., Farmer, T.W., & Rodkin, P.R. (2008). Peer groups, popularity, and social preference: Trajectories of social functioning among students with and without learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 41, 5-14.
- Galway, T.M., & Metsala, J.L. (2011). Social cognition and its relation nonverbal learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 44, 33-49.
- Gresham, F.M., & Elliot, S.N. (1999). The social skills deficit as a primary learning disability. *Journal of Learning Disabilities*, 22, 120-124.
- Harmon-Jones, E., Barratt, E.S., & Wigg, C. (1996). Impulsiveness, aggression, reading, and the p300 of the event-related potential. *Personality and Individual Differences*, 22, 439-445.
- Huager, D., Watson, C., & Willows, D. (1995). Parent, Teacher, peer, and self-reports of the social competence of students with learning disabilities. *Journal of Learning Disability*, 28, 205-215.
- Hughes, W. & Dawson, R. (1995). Memories of school: Adult dyslexics recall their school days. *Support for Learning*, 10, 181-184.
- Hutton, J.D., & Poli, L. (1976). A sociometric study of learning disability children and type of teaching strategy. *Group Psychotherapy, Psycho-drama and Sociometry*, 29, 113-120.
- Kisner, J.A., & Gatlin, D. (1989). Correlates of peer rejection among children with learning disabilities. *Learning Disability Quarterly*, 12, 133-140.
- Kravetz, S., Faust, M., & Shalhav, S. (1999). LD, interpersonal understanding, and social behavior in the classroom. *Journal of Learning Disability*, 32, 248-255.
- La Greca, A.M., & Stone, W.L. (1990). Children with disabilities: the role of achievement in social. Personal and behavioral functioning. In H.L. Swanson & B.K. Keogh (Eds), *Learning Disability: Theoretical and Research Issues. Hillsdale, N. J: Erlbaum*, pp. 333-352.
- Ladd, G.W., & Trop-Gordon, W. (2003). The role of chronic peer difficulties in the development of children's psychological adjustment problems. *Child Development*, 74, 1344-1367.
- Leary, M.R., Schreindorfer, L.S., & Haupt, A.L. (1995). The role of low self-esteem in emotional and behavioral problems: why is low self-esteem dysfunctional? *Journal of Social and Clinical Psychology*, 14, 297-314.
- McClean, V.A. (1989). *Teaching Social Skills to Elementary School Age Children: A Parent's Guide*. National Inst. One Disability and Rehabilitation, Washington, D.C.
- Mishna, F. (2003). Learning disabilities and bullying: Double jeopardy. *Journal of Learning Disabilities*, 36, 336-347.
- Mortimore T, Crozier WR. Dyslexia and difficulties with study skills in higher education. *Studies in higher education*. 2006, 31(2): 235-251.
- Nangle, D.W., Ellis, J.T., & Hansen, D.J. (1994). Clinical utility of the taxonomy of problematic social situations for children (Tops): Temporal stability and convergence with peer measures. *Education and Treatment of Children*, 17, 129-138.
- Oliva, A.H & La Greca, A.M. (1988). Children with learning disabilities: Social goals and strategies. *Journal of Learning Disabilities*, 27, 307-316.
- Parker, J.G., & Asher, S.R. (1987). Peer relations and later personal adjustment: Are low accepted children at risk? *Psychological Bulletin*, 102, 357-389.
- Petti, V.L., Voelker, S.L., Shore, D.L., Hayman – Abello, S.E. (2003). Perception of nonverbal emotion cues by children with nonverbal learning disabilities. *Journal of Developmental and Physical Disabilities*, 15, 23-36.

- Priscilla, S. (2011). Need for social skills: Training of dyslexic adolescents, *Indian Journal of Life Skills Education*, 3, 431-448.
- Richardson, T.M., & Foster, S.L. (1994). Teacher measures for assessing children's social skills. Association for child psychology and psychiatry, *Review and Newsletter*, 16, 198-205.
- Schumaker, J.D., Wildgen, J.S., & Sherman, J.A. (1982). Social interaction of learning disabled junior high students in their regular classroom: An observational analysis. *Journal of Learning Disabilities*, 15, 355-358.
- Soenksen, P.A., Flagg, C.L., & Schmits, D.W. (1981). Social communication in learning disabled students: A pragmatic analysis. *Journal of Learning Disabilities*, 14, 283-286.
- Torgesen, J.K. (1982). The learning disabled child as an inactive learner: Educational implications. In B.Y.L. Wong (ed.) *Metacognition and Learning Disabilities. Topics in Learning and Learning Disabilities*, 1982, 2, 45-52.
- Toro, R.A., Weissberg, R.P., Guare, J., & Liebenstein, N.L. (1990). A comparison of children with and without learning disabilities on social problem solving skill, school behavior, and family background. *Journal of Learning Disabilities*, 23, 115-120.
- Vaughn, S., Elbaum, B. & Boardman, A.G. (2001). The social functioning of students with learning disabilities: Implications for inclusion. *Exceptionality*, 9, 47-65.
- Wiener, J. (2004). Do peer relationship foster behavioral adjustment in children with learning disabilities? *Learning Disability Quarterly*, 27, 21-30.
- Woodie, K. (2007). *The Importance of Social Skills Training as it Relates To Student with Learning Disabilities*. Unpublished Master Thesis, University Of Wisconsin-Stout.